

شمشیر زن سامورایی با شلیک پلیس کشته شد



پلیس نداشتند و با عبور هولناک از لابه لای خودروها به دنبال راه گریزی بودند تا از جنگ پلیس فرار کنند. با وجود این، مأموران انتظامی که با دستورات سلسله مراتب فرماندهی، همه تلاش خود را برای مبارزه با یغماگران اموال مردم به کار گرفته بودند، همچنان به تعقیب متهمان به سرعت خودرویی بدون پلاک ادامه دادند تا این که ناگهان وانت پیکان در حاشیه خیابان متوقف شد و سرنشین آن گریخت، ولی راننده جوان که فرصت فرار نیافته بود، شمشیر بزرگی را از درون خودرو برداشت و برای آن که راه فرار باز کند به سمت مأمور انتظامی هجوم برد. در این لحظه، مأمور انتظامی با شلیک ۳ تیر هوایی به فرد مهاجم اختار داد که شمشیر سامورایی خود را رها کند و تسلیم قانون شود اما او در حالی که شمشیر و هشتتاک را در دست می فشرد باز هم به سوی نیروهای انتظامی حمله ور شد تا خود را از مرگ نجات دهد. در همین حال بود که مأمور انتظامی پای مهاجم مسلح را هدف گرفت و به ناچار ماشه سلاح را فشرد. لحظاتی بعد جوان ۲۶ ساله که خون آلود نقش بر زمین شده بود توسط امدادگران اورژانس به بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد منتقل شد و بلافاصله با نظر کادر درمانی تحت عمل جراحی

گروه حوادث - جوان ۲۶ ساله ای که به اتهام سرقت، تحت تعقیب نیروهای گشت انتظامی کلانتری پنجم مشهد قرار گرفته بود، پس از جدال مسلحانه با پلیس کشته شد. ساعت ۷ صبح روز دوشنبه گذشته، اهالی خیابان شهید قربانی در منطقه التیمور مشهد با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتند و از رفتارهای ناهنجار سرنشینان یک دستگاه وانت پیکان خبر دادند که به طرز وحشتناک و با سرعت سرسام آور در حرکت بود. در پی دریافت این خبر، بلافاصله عوامل گشت خودرویی کلانتری پنجم مشهد، عازم منطقه معروف به «شیخ حسن» شدند و در مسیر تردد وانت پیکان قرار گرفتند. آن‌ها خودرویی را مشاهده کردند که با صدای ناهنجاری روی رینگ حرکت می کرد و بار کابل برق داشت. مأموران انتظامی وقتی متوجه شدند که خودرو پلاک انتظامی نیز ندارد به راننده آن فرمان «ایست» دادند اما راننده جوان با دیدن خودرویی پلیس، پدال گاز را فشرد و بر سرعت خودرو افزود. نیروهای گشت که دیگر یقین داشتند با دزدان کابل روبه رو شده‌اند، بی درنگ به تعقیب خودرو پرداختند چرا که ابزار سرقت نیز در قسمت بار خودرو به چشم می خورد اما راننده و سرنشین پیکان وانت توجهی به اخطارهای

ایستاده اند و در صورتی که خلافکاران و قانون شکنان به اقدامات مجرمانه خود ادامه دهند از اختیارات قانونی برای شلیک گلوله استفاده خواهند کرد. سرهنگ حسین دهقان پور به هنجار شکنان و سارقان هشدار داد: مسیر درست زندگی را برگزینند و دست از اعمال خلاف قانون بردارند چرا که پلیس جلوه‌ای از «اقتدار» برای باورمندان به «امنیّت» است و اجازه عرض اندام به قانون شکنان را نخواهد داد.

قتل عمد مشهود، تحقیقات قضایی در حالی ادامه دارد که درباره سوابق متهم به سرقت فراری نیز بررسی صورت می گیرد. فرمانده انتظامی مشهد نیز پس از وقوع این حادثه، به اقتدار پلیس برای برخورد قاطع با مجرمان و خلافکاران اشاره کرد و گفت: جان برکفان نیروی انتظامی، برای حفاظت از جان، مال و ناموس مردم از هیچ تلاشی دریغ نمی کنند و برای مبارزه با «مخالفان امنیت» از جان خود نیز می گذرانند. از سوی دیگر هم در برابر مجرمان با تمام اقتدار

اعترافات قاتل بعد از سال ها در زندان



گروه حوادث - کارگر افغانستانی که از ۱۳ سال قبل به اتهام قتل همولایتی اش به قصاص محکوم شده و در زندان بود با دستور رئیس قوه قضائیه و با پرداخت دیه آزاد شد. روز ۱۰ آذر سال ۸۷ خبر وقوع قتل در یک ساختمان نیمه کاره در محدوده میدان ونک تهران به پلیس اعلام شد. نخستین بررسی ها نشان می داد نزاع جمعی بین چند کارگر ساختمانی رخ داده و یکی از آنها به نام ظریف با ضربه های چاقو به قتل رسیده است. پس از شناسایی متهم به نام سعید ۲۶ ساله که از اتباع افغانستانی بود وی دستگیر شد و ضمن اعتراف به قتل گفت: من چند سال قبل برای کار به ایران آمدم.

در یک ساختمان نیمه ساز کارگری می کردم و شب ها بعد از کار برای تفریح و سرگرمی با دوستانم که در یک ساختمان دیگر کار می کردند دور هم جمع می شدیم و فیلم نگاه می کردیم تا اینکه یک شب یکی از کارگران آن ساختمان به سراغم آمد و با اعتراض گفت من وسایلش را سرقت کرده ام و دیگر حق ندارم به آنجا بروم. از شنیدن این حرف خیلی عصبانی شدم. به همین خاطر موضوع را به دو نفر از دوستانم گفتم و برای تسویه حساب به ساختمان آنها رفتم.

همان پسر جوان با دوستانش به محض دیدن ما حمله کردند و ما هم درگیر شدیم در حین درگیری با چوب به سرم کوبید که سرم شکست و صورتم غرق در خون شد. در همین موقع چند کارگر دیگر برای میانجیگری وارد دعوا شدند اما من که صورتم خونی بود و چشمانم به درستی نمی دید به اشتباه با چاقو به ظریف که قصد میانجیگری داشت زدم. همین موضوع باعث قتل او شد. الان هم پشدمت پشیمانم.

بدین ترتیب با صدور حکم قصاص و تأیید آن در دیوان عالی کشور پرونده به شعبه سوم اجرای احکام به ریاست دادیار حسین گودرزی فرستاده شد و متهم پس از انجام مقدمات کار برای اجرای حکم پای چوبه دار رفت اما با توجه به درخواست وی مبنی بر اینکه به او مهلت داده شود تا اولیای دم مقتول را پیدا و از آنها درخواست رضایت کند یا با پرداخت دیه به اولیای دم از آنها درخواست بخشش کند؛ محمد شهبازی سرپرست دادرسی جنایی تهران با این مهلت موافقت کرد و مرد جوان به زندان برگشت.

پس از این ماجرا مرد زندانی با نوشتن نامه ای درخواست تعیین تکلیف در پرونده اش را داشت که بار دیگر سرپرست دادرسی جنایی تهران با ارسال پرونده وی برای رئیس قوه قضائیه و شرح ماجرای متهم و با توجه به اینکه ۱۳ سال در زندان بود درخواست کرد تا درباره این پرونده تصمیم گیری کنند.

بدین ترتیب رئیس قوه قضائیه نیز پس از بررسی پرونده با دستور پرداخت دیه در حق اولیای دم موافقت کرد. اما با توجه به اینکه اولیای دم هنوز شناسایی نشده اند مرد زندانی با واریز دیه به حساب صندوق دادگستری توانست از زندان آزاد شود.

سرنوشت تلخ ۲ همکلاسی



شده بود و برای تأمین هزینه های خوشگذرانی اش از هیچ خلاقی رویگردان نبود و گاهی نیز مردان هوسران را سرکشیه می کرد. با وجود این، او با همه مشکلاتش گاه و بی گاه بر سر من آوار می شد چون سرپناهی نداشت و نمی توانست خانه ای اجاره کند. من هم دیگر به رفت و آمدها و رفتارهای خوب و بد او عادت کرده بودم تا این که شب گذشته باز هم زنگ خانه ام را به صدا درآورد و وقتی در منزل را گشودم آلاله را با ظاهری نامرتب و چهره ای خسته و آزرده دیدم.

مثل همیشه دلم به حالش سوخت. آغوش گشودم تا بارایش خواهری کنم و پای درد دل هایش بنشینم ولی تصاحب آن قدر افراد مختلف با او تماس می گرفتند که صدای زنگ تلفنش خاموش نمی شد و خواب را از چشمان من هم می گرفت. آن شب آلاله از پسر جوانی سخن گفت که آدم حسابی است و قصد ازدواج با او را دارد. او از من خواست فردا صبح همراهی اش کنم و نظرم را درباره شکار جدیدش بگویم چرا که بهرام او را به صرف صبحانه ای داغ دعوت کرده بود.

خلاصه صبح که از خواب بیدار شدیم من هم خودم را آماده کردم تا مهمان آن ها باشم البته من هم در میان از تباط با برخی مردها به گرگی بالان دیده تبدیل شده بودم و از این نوع مهمانی ها وحشتی نداشتم. بالاخره هنگامی که به محل قرار رسیدیم خودروی شاسی بلند سفید رنگی مقابل مان ترمز زد و آلاله خیلی راحت در صندلی جلو نشست. من هم در حالی در عقب خودرو را باز کردم که دوست بهرام نیز در صندلی عقب نشسته بود.

وقتی صبحانه را خوردیم قرار شد آلاله و بهرام مرا تا مسیری برسند که به خانه ام بازگردم اما زمانی که به پارک ملت رسیدیم دوست بهرام با جملاتی زننده از من خواست تا او را همراهی کنم یا او به منزل من بیاید.

با شنیدن این جملات روح و روانم به هم ریخت و در حالی که با فریاد به او اعتراض می کردم به زور در خودرو را گشودم و خودم را

گروه حوادث - هنگامی که دوست بهرام در صندلی عقب خودروی شاسی بلند رفتار نامتعارفی با من داشت بی محابا به او اعتراض کردم و در یک لحظه خودم را از خودرو پایین انداختم. در این لحظه بهرام نیز پدال ترمز را فشرد.

این ها بخشی از اظهارات زن ۲۶ ساله ای است که به دلیل درگیری و وحشتناک خیابانی با یکی از دوستانش به کلانتری هدایت شده بود. این زن جوان که مدعی بود «آلاله» با افشانه فلفلی به او آسیب رسانده است، درباره قصه تلخ زندگی اش به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سجاده مشهد گفت: ۴ سال قبل در حالی از شهرم طلاق گرفتم که هنوز یک سال بیشتر از زندگی مشترکم نمی گذشت، با وجود این علاقه ای به شهرم نداشتم و اخلاق و رفتارهای راجع به آن تحمل نمی کردم.

از سوی دیگر هم مادرم که او نیز زنی مطلقه بود در همین مدت به عقد مرد دیگری درآمد و زندگی جدیدی را آغاز کرد اما من دیگر جایی در زندگی او نداشتیم و مادرم برای حفظ زندگی خودش مرا نیز پذیرفت. با این حال خانه ای برای اجاره کرده تا مرا حمایتی برای او و ناپدری ام نداشته باشم این گونه بود که از چند سال قبل به زندگی مجردی روی آوردم و گاهی برای تأمین مخارج کار می کردم و از مادرم نیز کمک مالی می گرفتم.

در این میان، یکی از دوستان دوران مدرسه ام به خانه من رفت و آمد زیادی داشت از روزی که با «آلاله» در کلاس سوم ابتدایی دوست شدم این رفتار در حالی تا به امروز ادامه یافت که او را مانند خواهر خود می پنداشتم و از پیدا و پنهان زندگی هم باخبر بودیم. او نیز فرزند طلاق بود و چند ماه قبل از من از همسرش طلاق گرفته بود. من و آلاله سرنوشت مشابهی داشتیم با این تفاوت که مادرم گاهی از نظر مالی هوای مرا داشت اما آلاله بعد از ازدواج مجدد پدرش، بارها از خانه فرار کرده بود چرا که نمی توانست با زن پدرش کنار بیاید و همواره با هم درگیر بودند.

از سوی دیگر آلاله پس از فرار از خانه وارد محیطی ناامن در جامعه



تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

استخدام

استخدام

خدمات

حمل بار

بازار پردیس ۲
برای اطلاعات بازار
به یک نفر پرسنل خانم
نیازمند است
۰۷۶۴۴۴۵۶۲۲۰
۰۷۶۴۴۴۵۶۶۸۲

به دو کارمند خانم جهت
استخدام در فروشگاه
لوازم التحریر نیازمندیم.
محدوده نوبنیاد
۰۹۰۲۲۹۹۲۰۹۹

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و
پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی
جزئی و کلی مجتمع های اداری
مسکونی - خدماتی - تجاری
۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

حمل و جابجایی کالا
با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

مفقودی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۲۴۱۸۸
به نام مریم مرادی مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد

تاسیسات ساختمانی کریمی
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۴۴

منشی شیفت بعدازظهر جهت کار در یک شرکت
استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی
ویلاهای مروارید بلوک ۵۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵
مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

به تعدادی نیروی لابی من، خدماتی
و باغبان با تجربه نیازمندیم.
تلفن ۴۴۴۸۷۰۱۲

جوشکار ساختمانی جهت
نصب نبشی
مورد نیاز است.
۰۹۳۷۶۶۶۰۲۳۷

استخدام
به یک خانم و اقا برای کار عکاسی و فروش
عکس با روابط عمومی بالا و با درآمد بسیار
عالی همراه با سرویس و نهار نیازمندیم
۰۹۰۱۶۵۹۱۲۶۴

اصل سند ششدانگ یک باب مغازه
شماره ثبت در دفتر منطقه ۷۰۵۲ واقع
در بازار هرمز غرفه ۲۱۳ فی مابین
سازمان منطقه آزاد کیش و مریم امینی
فرد فرزند محمد شماره شناسنامه
۳۴۶۷۸ صادره از کرمان مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد

۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

اقتصاد کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش